

شهر ششلول بندها

مریم قربانی

- آفرین، پسر.
- منو می‌بخشین مادام. می‌خواستم پیرسم شما تا به حال از چه نوع اسلحه‌ای استفاده می‌کردین؟
- اوه، پسر. رولور داشتم.
- چه بد. جسارت‌ه مادام. اما رولور که یه اسلحه قدیمیه. مال دوره ششلول بندهای تکزاسه. به اسباب‌بازی بیشتر شباهت داره تا یه اسلحه واقعی.
- آفرین. به همین خاطر هم اونو به کوچک‌ترین نوهام بخشیدم تا باهاش بازی کنه و اگر پا داد، تیری هم درکنه. آخه اون طفل معصوم هم باید با چیزی سرگرم بشه و تمرین کنه، مگه نه؟
- حتما مادام. چه کار بجایی. اصلا امروزه اسلحه‌داشتن پیر و جوون نمی‌شناسه و دیگه چیزی نیست که در کشو میز یا زیر بالش جا داشته باشه. اسلحه مثل آدامس و آب‌نبات مصرف هر روزه و همیشگی داره. آمارها رو که مطالعه می‌کنین، مادام؟ مؤسسه گالوپ می‌گه دست کم هشت میلیون آمریکایی اسلحه شخصی غیرمجاز دارن و به طور متوسط هر ۱۰ ثانیه یک بار، گلوله‌ای از یک اسلحه غیرمجاز شلیک می‌شه. به این ترتیب، هر لحظه ممکنه یک نفر به شما حمله کنه و برای تکمیل موادی که کشیده، از بدن نازنین شما آبکش بسازه.
- اما جوون! منو دست کم بگیر. در یک دهم ثانیه اسلحه می‌کشم.
- چه جالب! عمده مسئله همینیه که چه کسی سریع‌تر شلیک می‌کنه و زودتر موفق می‌شه قلب حریف رو نشونه بگیره. می‌دونین مادام، خیلی بهتره که آدم به وسیله ۱۲ عضو هیئت منصفه محاکمه بشه تا اینکه تابوتش رو چهار نفر عزادار به گورستان حمل کنن.
- وانگهی، اعضای هیئت منصفه از قماش خود ما هستن و کافیه ادعا کنیم که طرف رو به خاطر دفاع از خود نفله کردیم.
- آره ... خود من هم چند بار عضو هیئت منصفه بودم و خیلی‌ها رو از هلفدونو نجات دادم تا آزادانه بگردن و از تیر درکردن لذت ببرن. ما در کشوری آزاد زندگی می‌کنیم و کسی حق نداره آزادی عمل مردم رو سلب کنه.
- چه جالب مادام! شما نظیر ندارین! به همین دلیل هم به شما ۱۰ درصد تخفیف می‌دم. فروشگاه ما به ارزون‌فروشی شهرت داره. همین هفته پیش بود که یک مسلسل سبک خوش‌دست رو به قیمت ۲۰۰ دلار به پسر بچه‌ای ۱۰ ساله فروختم و لابد نتیجه‌اش رو هم چند روز پیش در روزنامه عصر مطالعه کردین؟ پسرک با همون رگبار اول، اعضای خانواده‌اش رو دسته‌جمعی به آخرت فرستاد.
- اوه، پسر! پس توی اون ماجرای جالب و هیجان‌انگیز تو هم دست داشتی؟

- من فقط فروشنده بودم مادام. افتخار می‌کنم که تونستم بهترین وسیله ممکن رو در اختیار اون پسر بچه صبور بذارم.
- درست مثل دکتری که بهترین نسخه رو بنویسه.
- بله، و البته نسخه مرگ. ما سعی می‌کنیم پا به پای مسائل پیش بریم. در این دنیا، مادام، ملتی پیشرفته‌تر و پیشروتر از ما نیست. اولین بمب اتمی رو ما ساختیم و منفجر کردیم. اولین بمب هیدروژنی، بمب نوترونی و بمب میکروبی رو ماها ساختیم و حالا هم در فکر جنگ ستارگانیم. دیگه چی کم و کسر داریم؟
- آفرین پسر. حالا که این‌طوره چرا من نباید یک کالیبر ۳۲ داشته باشم؟
- افتخار بر شما مادام. حالا که روی حرف خودتون ایستادین، من هم مجانی یک خشاب گلوله تقدیم شما می‌کنم تا لااقل در کشت و کشتار اولیه متحمل هزینه نشین.
- اوه پسر، خوش‌حالم کردی! ممنونم.
- بفرمایید مادام؛ قابلی نداره. به سلامت. امیدوارم تیراندازی خوب و خوشی در پیش داشته باشید.
- متشکرم. یادی هم از شما خواهم کرد. به زودی خبرش رو خواهید شنید.
- به امید دیدار مادام!

